

**ششم محرم الحرام سال 61 هجری قمری**

مثل این که دنیا اصلاً وجود نداشته (اینگونه دنیا بی ارزش و نابود شدنی است) و آخرت همیشگی و دائم بوده و هست.



به گزارش آران نیوز: عمر بن سعد نامه ای را از عبیدالله دریافت می دارد که مضمون آن چنین است: من از لشکر سواره و پیاده چیزی را از تو فروگذار نکردم، و توجه داشته باش که مأمورانی سپرده ام تا هر روز وضعیت را به من گزارش کنند. حبیب بن مظاهر از حضرت اجازه می گیرد تا نزد طایفه ای از بنی سعد که در آن نزدیکی ها زندگی می کردند رفته و آنان را به یاری فرا خواند، حضرت اجازه دادند. حبیب نزد آنها رفت و گفت: «امروز از من فرمان برید و به یاری حسین (ع) بشتابید تا شرف دنیا و آخرت از آن شما باشد». تعداد 90 نفر به پا خاستند و حرکت کردند، اما در میان راه با لشکر عمر بن سعد برخورد کردند و چون تاب مقاومت نداشتند، پراکنده شده و برگشتند. حبیب به نزد حضرت رسید و جریان را تعریف نمود. حسین گفت: «لا حول و لا قوة الا بالله»

نامه امام از کربلا به برادرش محمد بن حنفیه و بنی هاشم

« مثل این که دنیا اصلاً وجود نداشته (اینگونه دنیا بی ارزش و نابود شدنی است) و آخرت همیشگی و دائم بوده و هست.